

خطوط راهبردی سیاستی در حوزه نوجوانان و ناآرامی‌های اخیر

(جهت بررسی در کارگروه مشورتی شورای فرهنگ عمومی کشور؛ آبان ۱۴۰۱ ه.ش)

ناآرامی‌های اخیر اجتماعی نگرانی‌های بسیاری را در میان دلسوزان کشور به وجود آورده است؛ بخشی از این نگرانی‌ها به امور سیاسی و حاکمیتی مربوط می‌شود اما با نگاهی عمیق‌تر به این اتفاق، می‌توان به وضوح متوجه ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن شد. آنچه این ناآرامی‌ها را از نمونه‌های سابق متمایز می‌کند، تأکید جبهه معارض و کنش‌گران میدانی بر مسئله‌ای فرهنگی نظیر حجاب است، بر خلاف اعتراضات و آشوب‌های پیشین که بر امور سیاسی نظیر اتهام تقلب در انتخابات یا امور اقتصادی نظیر گرانی‌ها تمرکز داشت. وجه تمایز دیگر این اغتشاشات، حضور گسترده نوجوانان در میدان عینی و عرصه‌های رسانه‌ای این وقایع است. نوجوانان امروز، اولین نسلی به شمار می‌روند که از بدو تولد، با رسانه‌های اجتماعی در تماس بوده و این رسانه‌ها نقش محوری در جامعه‌پذیری آنان ایفا کرده‌اند. این نسل، که به آنها شهروندان بومی دنیای مجازی گفته می‌شود، از اطلاعات وسیعی برخوردار بوده و تجربه‌های زیسته متفاوتی نیز داشته‌اند؛ تفاوتی که می‌تواند فرصت یا تهدید باشد. خطوط راهبردی برای درک صحیح از نوجوانان و مواجهه با حضور آن‌ها در ناآرامی‌های اخیر بدین ترتیب پیشنهاد می‌شود:

۱. در خصوص حضور نوجوانان در این اغتشاشات، تا حدودی اغراق صورت گرفته است. باید از بزرگ‌نمایی‌ها و نتیجه‌گیری‌های احتمالی نسبت به روی‌گردانی این نسل به انقلاب اسلامی ملت ایران پرهیز داشت.

۲. نوجوانی از اساس همیشه دوره‌ای پرالتهاب بوده است. نوجوان فی‌نفسه ایده‌آل‌گرا و معترض است و روحیه انتقادی دارد. نوجوان تجربه ندارد و این ممکن است عمق عمل را از او بگیرد. نوجوان گاهی از تعادل رفتاری برخوردار نیست و احساسات ممکن است بر او غلبه کند یا به پرخاش منجر شود. در نتیجه نوجوانان همواره بهترین طعمه برای تهییج احساسات و سوء استفاده‌های سیاسی به شمار می‌روند. در چنین شرایطی، چنانچه فضا را برای تهییج احساسات نوجوانان توسط افرادی با اغراض سیاسی باز بگذاریم، دور از انتظار نیست که آنان از نوجوان به مثابه عروسکی کوکی در خیابان‌ها سوء استفاده کنند.

۳. فرهنگ امری پویاست و در طی زمان تغییر می‌کند، حال با توجه به ابزارهای رسانه‌ای جدید و گسترش تعامل بین جوامعی با زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت، سرعت گرفتن تحولات فرهنگی امری بدیهی است. در این شرایط، باید از ریشه‌های عمیق و بی‌بدیل فرهنگ ایرانی اسلامی محافظت شود اما به طور کلی باید تفاوت‌ها و تحولات را پذیرفت. شکاف نسلی به طور طبیعی در میان نسل‌های گوناگون جوامع بشری وجود داشته و دارد و اختلافاتی که میان نسل‌ها به چشم می‌خورد فی‌نفسه امری منفی نیست. پس باید نوجوانان را با جهان خودشان فهم کرد و از قضاوت و ارزش‌گذاری فاصله گرفت.

۴. دسترسی‌ها و امکان‌های نوجوان امروز از همیشه بیشتر است. همواره ساختارهای اجتماعی نظیر خانواده و مدرسه، بر انتخاب‌های نوجوان غلبه داشته‌اند و نوجوان گرچه به آرامی در تکاپوی کسب استقلال و ابراز وجود بود، اما هیچگاه مانند امروز فضا را برای این بروز اجتماعی آماده نمی‌دید. اما امروز، به واسطه فضای مجازی، نوجوانان از امکان بروز اجتماعی و انتخاب‌های گسترده برخوردار بوده و خودبنیادتر هستند. این امر باعث شده است که آنان زودتر و بیشتر از نسل‌های پیشین، دست به کنشگری و ابراز وجود بزنند.

۵. با پذیرش این پیش فرض که ما با نوجوانان خودبنیاد که از توان وسیعی برای ابراز خود برخوردارند، مواجه هستیم، می توان با رویکردی منتقدانه به رویکرد دستگاه های فرهنگی نسبت به این نسل نظر انداخت. جریان های فرهنگی در امتداد تجربه مواجهه با نسل های قبل، تا کنون با نوجوانان این نسل نیز به صورت بالا به پایین و یکسویه مواجه شده اند. حال آن که این جریان یک طرفه، در فضایی که انتخاب ها برای نوجوان گسترده است، این تصور را در او شکل می دهد که این جریان های فرهنگی قصد دارند قدرت انتخاب را از او بگیرند. به بیان دیگر نوجوان امروز هر جا حس کند برای او برنامه و قصدی از پیش تعیین شده وجود دارد، از آن فاصله می گیرد. در چنین فضایی، کاهش اثربخشی تلاش های فرهنگی و رسانه ای جمهوری اسلامی در نسبت با این نوجوانان دور از انتظار نیست. در نتیجه می توان دلیل فاصله ای که ممکن است در افراد این نسل نسبت به آرمان های جمهوری به وجود آمده باشد را فهم کرد. در چنین شرایطی تغییر رویکرد دستگاه های فرهنگی داخلی و اتخاذ رویکرد گفتگوی دو سویه می تواند این نسبت را بهبود بخشد.

۶. نوجوان امروز، تحت تأثیر جامعه متکثر و چندفرهنگی که در فضای مجازی با آن مواجه بوده است، از هویتی متکثر و چندگانه برخوردار است. از این ویژگی به هویت موزاییکی نیز تعبیر می شود. او فرهنگ را نه به عنوان امری یکپارچه و مربوط به هم، که به عنوان بخش هایی مجزا و بی ارتباط به یکدیگر درک می کند. این ویژگی دو نتیجه را در بر خواهد داشت: اولاً دوگانگی های فرهنگی در نظر او به نسبت نسل های قبلی چندان رنگی ندارد و به تفاوت ها قائل است، ثانیاً باورهای فرهنگی او تعمیم یافته نیست، به عبارت دیگر تأیید یا رد بخشی از یک باور فرهنگی به معنای تأیید یا رد ایدئولوژی حاکم بر آن نیست. پس اگر در بخش هایی از ارزش های فرهنگی یک نوجوان اشکالاتی وجود دارد، این اشکال را نمی توان به نظام فرهنگی و ارزشی حاکم بر رفتارهای او تعمیم داد.

۷. نوجوان امروز، بیش از نوجوانان دهه های قبلی خود از تجربیات گوناگون برخوردار است و این فرصتی است که رسانه های دیجیتال در اختیار او قرار داده اند. اما این فرصت، با کاستی هایی نیز همراه بوده است. مهمترین کاستی این نوع تجربه آنست که با پیامد همراه نیست. چنانکه برخی لذت سینما را با لذت تماشای برف از پشت پنجره مقایسه کرده اند. نوجوان در بازی های رایانه ای، گویی خود دست به پر خطرترین تجربیات می زند، بی آنکه پیامد این تجربه دامن او را نیز بگیرد. در فضای مجازی نیز همین گونه است و نوجوان بی آنکه ادب حضور را درک کند، می تواند آزادانه به ابراز هر نظری دست بزند بی آنکه پیامدی داشته باشد. حال این تجربه بی پیامد و غیر واقعی، ممکن است در فضای واقعی نیز توجه او را از پیامدهای عمل خود منحرف کند. در نتیجه نوجوان ممکن است دچار اشتباه محاسباتی شده و دست به رفتارهای نادرست بزند. در چنین شرایطی نوجوان متوجه پیامدهای مختلفی که اعتراض او می تواند برای آرامش و امنیت جامعه داشته باشد نخواهد بود. در این شرایط نهادهای فرهنگی جامعه، از خانواده گرفته تا رسانه، باید تلاش خود را بر انداز نوجوانان و جلب توجه آنان به پیامدهای احتمالی اغتشاشات بگذارند.

۸. نوجوان در جامعه ای زندگی می کند که همه چیز وجه مصرفی و کالایی دارد. در چنین جامعه ای، حتی وقایع فرهنگی و سبک زندگی نیز نه از ارزشی ذاتی، که ارزشی مصرفی برخوردار است. نوجوانی که در چنین جامعه ای تربیت می یابد، بسیاری از کنش های خود را نه از جنبه بینشی، که از جنبه نمایشی انجام می دهد. به عبارت دیگر او که به این جنبه نمایشی و مصرفی کنش ها نیز به طور ناخودآگاه مسلط است، به اعتراضات تند خود نه به عنوان مطالبه، بلکه فراتر از هرچیز به عنوان فیلم یا عکسی دارای ارزش های خبری نگاه می کند. در نتیجه بیشتر رفتارهای اعتراضی که توسط او بروز پیدا می کند، جنبه مصرف رسانه ای در آن غلبه دارد. از

همین رو برخی از هیجاناتی که در این چند روزه در فضای مجازی از جانب نوجوانان می بینیم، برای چند ثانیه و دقیقه اتفاق می افتد چرا که جنبه نمایشی و نمادین دارد.

۹. در زمانه ای زندگی می کنیم که لایک خوردن و تأیید گرفتن از اهمیت بالایی برخوردار است و چه بسا نقش محوری را در کنش افراد دارد. در چنین شرایطی، ماریپچ سکوت بسیار بیش از همیشه نقش ایفا می کند. جایی که فرد در نتیجه فشار گروه، شهامت ابراز مخالفت ندارد و تحت تأثیر تصویری که از گروه در باور او شکل گرفته است دست به کنش می زند. در چنین فضایی، حضور سلبریتی ها و فشار اجتماعی موجود در شبکه های اجتماعی و مدرسه اهمیت می یابد. در شرایط فعلی که دشمنان تمام تلاش خود را در شکل دادن به این تصور که اکثریت مردم در اعتراض هستند به کار بسته اند، بخشی از مخالفت نوجوانان هم نه از یک عمق ایدئولوژیک یا اعتراض، که از ترس فشار اجتماعی و قرار گرفتن در موضع انفعال نشأت می گیرد. به عبارتی ماریپچ سکوت می تواند به همراهی توأم با جبر منجر شده باشد. در چنین فضایی، شکستن این ماریپچ سکوت بسیار مهم است. شکستن ماریپچ سکوت می تواند با تلاش در جهت نمایش تصویری درست و جامع از جامعه امروز ایران و مقابله با اغراق صورت گرفته توسط رسانه های معاند رخ دهد.

۱۰. امروزه اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی از تورم نوجوانی سخن می گویند. تورم نوجوانی به این معناست که انسان امروز، زودتر از گذشته به دوره نوجوانی پا گذاشته و دیرتر از آن خارج می شود. تا جایی که در تعریف های متأخر جهانی، بازه سن نوجوانی تا ۲۸ سالگی گسترده شده است. په بسا در کشور ما به دلیل شرایط اقتصادی بتوان این تعریف را تا سنین بالاتر نیز گسترش داد. این تورم نوجوانی از این روست که نوجوان دیرتر استقلال پیدا می کند و به عبارت دیگر دیرتر مسئولیت پذیر می شود. مسئولیت باعث می شود که فرد نگران مسائل پیرامونی خود شود و رفتارهای عاقلانه تری از خود بروز دهد. درواقع مواجهه امروز ما با نوجوانان و جوانانی است که در آنان کمتر شاهد مسئولانه رفتار کردن هستیم. در نتیجه پیوندهای اجتماعی فرد ضعیف تر می شود و خودمحورتر دست به کنش می زند. اگر نوجوان خود را مسئول و سهامدار کشور بداند، همواره منافع خود را در جهت منافع کشورش خواهد دید و هیچگاه به آن صدمه نخواهد زد.

۱۱. در فضای فرهنگی امروز ما، منابع هویت بخش نوجوان رفته رفته کمرنگ تر شده و به منابع رسانه ای و منابع جنسی هویت بخش تبدیل شده است. نوجوان امروز، به تاریخ، فرهنگ، سرزمین، ملیت و وطن خود تعلق هویتی کمتری دارد و برای ارجاع های هویتی، به مواردی دیگری که غالباً داشته های فیزیکی و مادی اوست ارجاع می دهد. حال آنکه هویت ملی، همواره یکی از غنی ترین عناصر هویت بخش ملت ها به شمار رفته و می تواند ضامن اقتدار و پیشرفت آن ملت باشد. دشمن تلاش کرده است تا در برابر دیدگان نوجوان ما، گذشته ای خوب، حالی نامعلوم و آینده ای پر آشوب را نشان داده و به این وسیله او را از تعلقات هویتی خود بیشتر جدا کند. درمقابل باید واقعیت تاریخی گذشته را به او گوشزد کرد و نقاط تاریک و روشن آن را برای او تبیین کرد. از طرفی باید برای نوجوان، تصویر روشنی از ایران فردا به نمایش گذاشت. فردای این ویرانی ها و اغتشاشات که سراسر تاریک است، و فردای روشنی که می توان ساخت.

۱۲. تمامی موارد فوق الذکر، نباید به عنوان عواملی در نفی فضای مجازی و لزوم جلوگیری از حضور نوجوانان در این فضا تلقی شوند بلکه نشان دهنده مسئولیت دو چندان دستگاه های رسانه ای و فرهنگی جمهوری اسلامی و مشکل تر شدن عرصه کار فرهنگی و رسانه ای در عصر حاضر است. فعالان جبهه فرهنگی و رسانه ای انقلاب می بایست با علم به این موارد و آشنایی با زبان متناسب با آن، با تلاش دو چندان به کار فرهنگی نسبت به نوجوانان دست بزنند.